

محمد حسین مدل

۱

رفتارِ تن
تنیده در تپشِ تاری از توبه
و حرف

۲

من و حرف و تو
به غیر رفته‌ایم
که غیرِ این شویم
و غیر
در حرف و من و تو
پیدا است

رسیده به طولِ نور
تا نیتی تناور شود و
بخواند تعبیرِ تن را
وقتی هنوز جان
جانی هنوز است
در تپشِ تن

۳

شکلی که روی کرده به دیوار
از رویِ یادهایم
رسانده خودش را
به شکلِ معنایم

و باز تو و حرف و من
در لذتِ غیرِ مبهوت می‌شویم و
از شدتِ جنونی آویخته از عشق
خودمان را می‌ریزیم در هم
تا

به غیری دیگر برسیم
که غیر باشد و از غیر بسازد غیر

معنایِ روبریم
به رویم در معنا
شکل می‌دهد

در رویم
جز رویم نیست
در رویم
نگاهی از رویم را
ذله می‌کنم
و با نگاهی به روبرو
به شکلی از تو
خیره می‌شوم